



## The Process of Transition from Idolatry to Monotheism in the Holy Qur'an

*Seyyede Vahideh Rahimi<sup>1</sup>*

*Narges Ghasemi Firoozabadi<sup>2</sup>*

*Mohammad Kazem Rahman Setayesh<sup>3</sup>*

DOI: 10.22051/TQH.2021.33520.2999

Received: 14/10/2020

Accepted: 01/03/2021

### Abstract

How the polytheists of the age of revelation changed profoundly from the polytheistic belief to the monotheism is a remarkable issue. The arrangement of the central verses about monotheism according to the order of their revelation leads to know the process of transformation of the belief in God and discover the special Qur'anic method for repairing and institutionalizing the monotheistic belief. Accordingly, extracting the central verses about monotheism and identifying the basic points of the course of monotheistic invitation, based on a descriptive-analytical method, this article examined the holy Qur'an's process of making change in belief (in God). In conclusion, the Qur'anic process of transformation in the dimension of theism has been extracted in three main stages: in the first stage, the Holy Qur'an in the first Meccan surahs, with a brief introduction of God with some Divine features and the design of the main pillars of monotheism, motivated the community to accept the new monotheistic belief, leading to few new converts. In the second stage, after the formation of the faith community and the resistance of the polytheists against monotheism, the foundations of polytheism were destroyed and rather the foundations of monotheism were explained in terms of cognition with clear arguments. The third stage was establishing and deepening Monotheism in the community of the day, coincide with the establishment of Islamic State, through explaining true faith and levels of faith with a focus on vulnerable factors and the clarity of the precepts, which was done by issuing Ahkām (religious verdicts).

**Keywords:** *Transformation, Polytheism, Monotheism, Description of Monotheism, Consolidation of Monotheism, Deepening the Monotheism.*

---

1 . Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Qom University, Qom, Iran. svrahimi@yahoo.com

2 . PhD candidate of Qur'an and Hadith Sciences, Qom University, Qom, Iran. (The Corresponding Author). narges.ghasemi64@gmail.com

3 . Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Qom University, Qom, Iran. kr.setayesh@gmail.com



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (عالمه علیها)

سال هجدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، پیاپی ۵۰

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۲۳-۱۵۵

## فرایند گذار از بت پرستی به توحید در قرآن کریم

سیده وحیده رحیمی<sup>۱</sup>

نرگس قاسمی فیروزآبادی<sup>۲</sup>

محمد کاظم رحمان ستایش<sup>۳</sup>

DOI:10.22051/TQH.2021.33520.2999

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

### چکیده

چگونگی تغییر عمیق مشرکان عصر نزول از باور مشرکانه بت پرستی به عقیده توحیدی، سؤالی درخور توجه است. چینه‌س آيات محوری پیرامون توحید بر اساس ترتیب نزول آنها، سبب دست‌یابی به فرایند تحول‌آفرینی در باور به خدا و کشف روش خاص قرآنی در تعمیق و نهادینه‌سازی باور توحیدی است. براین اساس، این پژوهش با استخراج آيات محوری پیرامون توحید و مشخص نمودن نقاط اساسی سیر دعوت توحیدی، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، فرایند تحول‌آفرینی قرآن کریم را در بعد خدا باوری بررسی نموده

svrahimi@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

nares.ghasemi64@gmail.com

Kr.setayesh@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران.

است. حاصل پژوهش، دست‌یابی به فرایند قرآنی تحول‌بخشی در بعد خدا‌باوری در سه مرحله است. در اولین مرحله، قرآن کریم در نخستین سوره مکی، با معرفی اجمالی خداوند با برخی از صفات الهی و طرح مراتب اصلی توحید، از بعد انگیزشی عموم جامعه را پذیرای باور جدید توحیدی و گروه اندکی را خدا‌باور کرده است و در مرحله دوم بعد از تشکیل نخستین جامعه ایمانی و مقاومت مشرکان در برابر توحید، با ارائه استدلال‌ات روشن و براهین توحیدی، به تخریب پایه‌های شرک و تبیین پایه‌های توحید از بعد شناختی پرداخته است و در مرحله سوم مقارن با دوران مدنی و تشکیل حکومت اسلامی با بیان مشخصه‌های ایمان حقیقی و درجات ایمان و با تمرکز بر روی عوامل رفتاری از طریق وضع احکام در جهت عملیاتی کردن و تعمیق باور توحیدی گام برداشته است.

### واژه‌های کلیدی:

تحول آفرینی، شرک، باور توحید، تبیین توحید، تثبیت توحید، تعمیق توحید.

### مقدمه و طرح مسئله

توحید به‌عنوان یک اصل اسلامی، به معنای یگانه دانستن و یکتا شمردن خداست. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ش، ج ۱، ص ۵۸) بحث توحید و شرک سنگ بنای عقاید اسلامی، بلکه همه شرایع آسمانی است (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰) و چنان‌که در قرآن آمده رسالت تمام انبیاء دعوت به توحید بوده است (نحل: ۳۶). قرآن کریم در طی ۲۳ سال نزول تدریجی،

باور اعراب را در ابعاد مختلف و از همه بنیادی‌تر، بعد خدا باوری دگرگون کرد و با نهادینه‌سازی باور توحید ظرفیت‌های تحول‌آفرین خویش را نمایان ساخت.

رخداد تحول در ساحت خدا باوری اعراب از بت پرستی به توحید، گرچه امری مسلم است، اما اینکه این فرایند، طی چه مراحل در قرآن دنبال شد و روش قرآن برای تحول بخشی در بعد خدا باوری و گذار از بت پرستی به توحید چه بود، مسئله‌ای است که بدان پرداخته نشده است. پرداختن به این مسئله و کشف روش قرآن در تحول‌آفرینی در گرو اتخاذ روشی متناسب با هدف پژوهش است. از آنجا که آیات قرآن به صورت تدریجی و متناسب با نیاز مخاطبان نازل شده است، استفاده از روش مطالعه آیات بر مبنای سیر نزول، می‌تواند بهترین رویکرد برای فهم فرایند گذار از بت پرستی به توحید در قرآن و استخراج روش خاص قرآنی در این تحول بخشی باشد.

گرچه نگارش‌های مختلفی وجود دارد که با رویکرد ترتیب نزول به آیات قرآن نگریده‌اند؛ با این حال، بسیاری از پژوهش‌هایی که در حوزه توحید انجام گرفته‌اند، همچون کتاب «تفسیر موضوعی قرآن کریم، توحید در قرآن» از آیت الله جوادی آملی، «الله شناسی» علامه حسینی طهرانی و بخش خداشناسی سایر کتب تفسیر موضوعی، از منظر روش شناسی مباحث توحید را دنبال نکرده‌اند. پژوهش‌هایی نظیر رساله دکترای «بررسی تحلیلی موضع‌گیری قرآن کریم با جریان‌های غیر توحیدی عصر نزول» از رضا حسینی نیز با وجود نگاه روش‌شناسانه به مسأله توحید در قرآن، رویکردشان ترتیب اتخاذ این روش‌ها بر مبنای ترتیب نزول آیات نبوده است.

اما پژوهش‌هایی که با رهیافت ترتیب نزول، به بعد تحول بخشی قرآن پرداخته‌اند، اندک هستند و البته هیچ کدام به صورت مشخص روند تحول‌آفرینی قرآن را در بعد خدا باوری بررسی نکرده‌اند. برخی چون مهدی بازرگان در کتاب «سیر تحول قرآن» به بحث تحول در ابعادی غیر اعتقادی پرداخته و برخی نیز چون عبدالکریم بهجت‌پور در «همگام با وحی» با رویکرد تفسیری به تحول‌آفرینی قرآن در ابعاد مختلف به صورت

کلی اشاره کرده است. پایان‌نامه «روش قرآن در نهادینه کردن باور به ربوبیت در جامعه صدر/اسلام» از محمد سلطانی نیز سیر نهادینه شدن اندیشه توحید ربوبی را بر اساس ترتیب نزول، تنها در ۲۳ سوره نخست و بدون عنایت به بعد روش بررسی نموده است. این مقاله در صدد است فارغ از تمام تأثیرات و بازتاب‌های جامعه‌شناختی و تربیتی که بر تحول آفرینی قرآن مترتب است، فرایند گذار از بت‌پرستی به توحید در قرآن را با بررسی آیات محوری پیرامون توحید بر اساس ترتیب نزول، به دست آورد و از رهگذر کشف مسیر این گذار و مراحل اصلی این تحول آفرینی و روش‌های عمده استخدام شده در این مراحل، گامی در جهت دست‌یابی به الگوی قرآنی تحول‌سازی به‌عنوان یک الگوی موفق بردارد.

### ۱. باور مشرکان نسبت به خدا

بنا به نقل تواریخ، هم‌زمان با ظهور اسلام کیش غالب عرب بت‌پرستی بوده است. اهل مکه به واسطه سابقه حضور حضرت هاجر و اسماعیل (علیهم‌السلام) در آن سرزمین از نظر اعتقادی در آغاز پایبند به شریعت ابراهیم (علیه‌السلام) بودند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۴) اما به تدریج از این آیین توحیدی فاصله گرفته و به بت‌پرستی روی آوردند (جوادعلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۱، ص ۳۴). بت‌ها در نگاه جاهلانه بت‌پرستان شأن خالقیت نداشتند، اما خداوند به واسطه واگذار کردن تدبیر امور هستی به بت‌ها، به ایشان جایگاهی ممتاز بخشیده بود. توهم این جایگاه بود که عرب مکه را به پرستش بت‌ها در کنار عبادت خدا دعوت می‌کرد و این چنین ایشان را به شرک به الله کشاند.

در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران «يُظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ...» به مؤلفه‌ای شاخص از باور مشرکان پیش از اسلام و پندار نادرست آنان که برخاسته از عدم اطمینانشان به قدرت بی‌نهایت الهی بود، اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۱۳۳). بر این

اساس، یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تفکر جاهلی باور نداشتن به قدرت مطلق خداوند و کارساز بودن برخی مخلوقات و حتی دست‌سازه‌های بشری در امور هستی بود. فرایند تحول بخشی و روش قرآنی را با عنایت به این باور باید کشف کرد.

## ۲. فرایند ایجاد تغییر در باور مشرکان نسبت به خدا

تغییر در هر باوری مستلزم طی مسیری است که با پیمودن گام‌های آن به تدریج باور جدید جایگزین باور قبلی گردد. قرآن نیز برای تغییر در باور مشرکان نسبت به خدا مراحل را طی کرده است. شناخت این مراحل ما را به روش قرآن در فرایند گذار از بت‌پرستی به توحید آگاه می‌سازد.

### ۲-۱. مرحله اول: طرح باور توحید

اولین مرحله از مراحل تحول بخشی در باور اعراب نسبت به خدا، طرح مسئله توحید است. این مرحله در دو گام اصلی صورت یافته است.

#### ۲-۱-۱. بیان صفات الهی

نخستین مرحله از دعوت به توحید با بیان اجمالی او صاف انحصاری خداوند همراه است. در آیات ۱-۳ سوره علق (ش ن ۱)<sup>۱</sup> خداوند با وصف خالقیت و ربوبیت توصیف می‌شود. خداوند در نخستین آیات دعوت خود، با همنشین ساختن واژه ربوبیت در کنار خالقیت

۱. حروف (ش ن) علامت اختصاری به معنای شماره نزول است که نشانگر شماره سوره بر مبنای ترتیب نزول بر اساس روایات معتبر و جداول تنظیم شده در این باره از سوی معاصرانی چون بهجت پور در «تفسیر تنزیلی قرآن» است و با توجه به رویکرد ترتیبی این مقاله، به جهت پرهیز از تطویل، در سرتاسر مقاله استفاده شده است. بر اساس این مقاله، فرایند تحول بخشی قرآن شامل سه مرحله و ش ن ۱-۳۸ (علق تا ص) مربوط به سوره‌های مرحله اول، ش ن ۳۹-۸۴ (اعراف تا روم) شامل سوره‌های مرحله دوم و ش ن ۸۵ تا ۱۱۴ (عنکبوت تا توبه) در بردارنده سوره‌های مرحله سوم فرایند تحول بخشی است.

خویش، انحصار ربوبیت موجودات به الله را در پرتو باور مورد پذیرش مشرکان به خالقیت «الله» اثبات می کند.

در سوره های بعدی نیز توصیف خداوند نه به شکل تفصیلی، بلکه تنها با ذکر اجمالی برخی صفات خداوند صورت می گیرد تا در ذهن مخاطب این امر القا شود که تنها او شایستگی پرستش و بندگی را دارد. در سوره حمد (ش ن ۵) بعد از توصیف خدا با صفات ربوبیت، رحمانیت، رحیمیت و مالکیت، به یگانه بودن خداوند در شایستگی برای پرستش تأکید می شود. در نخستین آیه، با عنایت به تدبیر هستی از سوی خدا همه ستایش ها را منحصر در او و در چهارمین آیه به مالکیت خداوند در روز قیامت به عنوان مصداق کاملی از این تدبیر اشاره می گردد.

مالکیت مطلق، شأنی است مختص خداوند که تأکید بر آن می تواند نشانگر میزان تأثیر پذیرش این صفت الهی در باور به ربوبیت الهی و روشی روشن در جهت بطلان اساس تفکر مشرکان باشد. چنان که علامه در جای جای *المیزان* و از جمله ذیل همین آیه، مسئله مالکیت را با توجه به مالکیت حقیقی خداوند، با تدبیر و ربوبیت الهی پیوند می زند و پذیرش مالکیت خداوند را مستلزم تسلیم شدن به تدبیر و ربوبیت الهی می داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۲۱).

## ۲-۱-۲. طرح مراتب توحید

در نخستین مرحله گذار از بت پرستی به توحید، مراتب توحید معرفی می شود. آیات ۱-۴ سوره حمد (ش ن ۵) در بردارنده توحید کامل نظری شامل توحید در ذات، صفات و افعال (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۲۹ و ۴۲) و آیه ۵ این سوره دال بر مرتبه توحید عبادی و افعالی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۴۲) است. اما سوره توحید (ش ن ۲۲) اولین سوره ای است که به صورت کامل به مسئله توحید می پردازد. این سوره به فاصله چهار سوره بعد از سوره کافرون (ش ن ۱۸) و اعلام صریح موضع پیامبر نسبت به معبودهای

مشرکان و بنا به درخواست مشرکان از پیامبر در توصیف خدای خود نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۸۵۹؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۰۱).

از این رو سوره توحید را در روایات، معرف خداوند دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۴۵) و تنها سوره‌ای است که محتوای آن به صورت کامل در بیان وحدانیت الهی و اعلانی تام در جهت نفی تمامی باورهای مشرکانه اعراب است (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۱).

تأمل در محتوای این سوره را در کنار سوره فلق (ش ن ۲۰) و ناس (ش ن ۲۱) که از نظر نزول بلافاصله قبل از این سوره واقع شده‌اند، نشان می‌دهد این سوره‌ها در واقع بنیان باور جاهلی اعراب را نسبت به خدا نشانه گرفته‌اند و نزول پیاپی این سه سوره تأکیدی بر انحصار قوت و قدرت خدای احد صمد و بی‌همتایی او در نفع و ضرر و منع و اعطاء است (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۳).

آنچه بیان شد اجمالی از فرایند تحول در باور به خدا و احیای اصل توحید در مرحله نخست تحول‌بخشی است. این مرحله که از بعد انگیزشی جامعه را برای ورود به مرحله شناختی آماده می‌سازد، سبب شد آنان که آماده روحی بیشتری دارند دعوت به توحید را بپذیرند. بعد از این مرحله جامعه به دو گروه اصلی تقسیم شد. دسته اول جامعه ایمانی که بیشتر از طبقات محروم بودند و دسته دوم جامعه مشرکان لجوج که اغلب از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند و با تشکیل نخستین جامعه ایمانی، کارشکنی‌ها و مخالفت‌های خود را گسترده‌تر و سازمان‌یافته‌تر کردند.

## ۲-۲. مرحله دوم: تبیین باور توحید

بعد از طرح باور توحید و ایجاد نخستین جامعه توحیدی و شروع کارشکنی‌های گسترده مشرکان، فراخوان توحیدی پیامبر وارد مرحله جدیدی می‌شود. به طور کلی در مرحله دوم هدف آن است که اصل یکتاپرستی به صورت شفاف تبیین گردد و از بعد شناختی،



استحقاق خداوند برای پرستش به اثبات رسد. بر این مبنا، شروع این مرحله را می‌توان از سوره اعراف (ش ن ۳۹) دانست. نزول این سوره، سال هفتم بعثت (ابن سعد، بی‌تا، ص ۲۰۹) و هم‌زمان با اوج گرفتن آزار رسانی‌های مشرکان در مقابله با تمایل جوانان قریش به آیین یکتاپرستی و در پی آن محاصره اقتصادی شعب ابی‌طالب بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۶). در این سوره، ضمن تأکید بر لزوم پذیرش ولایت الهی به‌عنوان پایه جامعه مؤمنان، در نقد نگاه مشرکانه به خدا (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ش، ص ۱۸۶) برای نخستین بار به صورت مشخص استدلال پیرامون اثبات توحید و نفی بت‌ها صورت می‌یابد و از این رو سرآغاز روش استدلالی قرآن در باوراندن توحید محسوب می‌شود.

### ۲-۲-۱. تبیین و تخریب پایه‌های شرک

از مهم‌ترین گام‌ها در مرحله دوم شناسایی باور پیشین و سپس تخریب پایه‌های آن برای بازگشایی عرصه جهت ورود باور جدید است. لزوم این امر بدان جهت است که هیچ‌گاه دو گزاره متناقض با هم تصدیق نمی‌شود. در این راستا قرآن در این مرحله با دو اقدام اساسی به تخریب باورهای مشرکان در حیطه بت‌پرستی پرداخته است.

### ۲-۲-۱-۱. بیان علل بت‌پرستی

ریشه‌یابی عقاید موجود قطعاً از اقدامات ضروری در فرایند تحول‌سازی آن‌هاست. از این رو تبیین درست اصل توحید تنها در کنار تبیین پدیده باطل بت‌پرستی، کارآمدی لازم را در جهت دگرگون‌سازی باور مشرکان و احیای توحید دارد.<sup>۲</sup> بخش اعظم آیاتی که به بیان ریشه‌های بت‌پرستی می‌پردازد، در مرحله دوم است.

<sup>۲</sup>. البته تعبیر رایج در بحث تبیین پدیده‌ها، تعبیر ریشه‌یابی و یا علت‌کاوی است، اما ما در اینجا با توجه به عالم بودن خداوند نسبت به همه امور از بیان علت به جای علت‌کاوی استفاده می‌کنیم.

## ۲-۲-۱-۱-۱-۱. جهل

«جهل» در لغت‌نامه‌ها عمدتاً به معنای ضد علم (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۹۰؛ طریحی، ۱۳۶۲ش، ج ۵، ص ۳۴۵) و گاهی ضد طمأنینه یا ضد حلم (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۴۹۴؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ش، ج ۱، ص ۴۹۸) آمده است. آنچه در این مقام مقصود است، همان معنای نخست و رایج آن است که البته از منظر قرآن پژوهان در این معنا در قرآن کاربرد کمتری دارد (سیفی و عبدالهی، ۱۳۹۳ش، صص ۱۳۸-۱۴۳).

واژه «جهل» در مورد بت‌پرستی تنها در آیه ۱۳۸ اعراف به تصریح آمده است. اما عباراتی چون «اتباع از ظن» که در مورد مشرکان در برخی سوره‌ها (نجم: ۲۳؛ یونس: ۳۶؛ انعام: ۱۱۶) آمده به بیان مفسران می‌تواند نشانگر جهل اکثریت ایشان (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۷۷؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳، ص ۷۹) یا گمان نادرستشان در مورد کارآمدی بت‌ها در تقرب جستن به خدا و شفاعت از طریق ایشان باشد (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۰۴؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۱۸۴).

دعوت به تعقل و (نحل: ۱۲ و ۶۷؛ روم: ۲۴ و ۲۸؛ جاثیه: ۵) و تفکر (رعد: ۴؛ نحل: ۱۱، ۶۹؛ روم: ۲۱) که بعد از آیات دال بر نشانه‌های خداوند به کرات آمده است، نیز می‌تواند ناظر به پررنگی عامل جهل در شرک و گمراهی باشد. همچنان که آیه ۱۵۴ آل عمران نیز مؤید همین مسئله است. بنابراین مسئله اساسی این است که به باور مشرکان، خداوند در تدبیر امور نیازمند وسائلی است و این وسائط همان بت‌ها هستند که تدبیر هستی به آن‌ها واگذار شده است.

## ۲-۲-۱-۱-۲. استکبار

در آیات متعددی در این مرحله علت واقعی ایمان نیاوردن مشرکان «استکبار» بیان می‌شود. از نظر زمانی آیات دال بر این معنا بعد از آیات مربوط به عامل جهل است. نخستین آیات در این باره مربوط به سوره فاطر (ش ن ۴۳) است؛ مقصود این سوره بنا به نظر برخی ایجاد

صفت خشیت در مخاطبان است (بهجت پور، ۱۳۹۴ش، ص ۲۰۰؛ بهجت پور، ۱۳۹۰ش، ج ۳، ص ۳۰۷). در آیات ۴۲-۴۳ این سوره «استکبار» به عنوان عامل شرک و عدم پذیرش دعوت پیامبر معرفی شده است. بعد از این سوره بیشترین آیات درباره خصیصه استکبار در سوره غافر (ش ن ۶۰) و سوره‌های بعد از آن می‌آید.

نقش استکبار در عدم پذیرش توحید را با توجه به بافت اجتماعی عرب عصر نزول بهتر می‌توان فهمید. به باور ایزتسو در بافت غیردینی عصر جاهلیت تواضع و تسلیم از صفات نکوهیده و نشانه منش پست بود و حال آن که تکبر و تسلیم نشدن در چشم اعراب پیش از اسلام علامت شرافت و بزرگی بود (ایزوتسو، ۱۳۷۸ش، ص ۴۵). وی این روحیه را به مثابه دین کارآمد عرب در دوران جاهلیت می‌داند که البته این دین، به طبقه اشراف و نجباء اختصاص داشته و طبقات پایین سهمی در آن نداشته‌اند (ایزوتسو، ۱۳۸۷ش، ص ۱۲۸).

گرچه شاید به این قطعیت نتوان طبع استکباری را تنها عامل تسلیم‌ناپذیری اعراب دانست و مدخلیت شرایط سخت محیطی و لزوم دفاع از خویشتن را نیز باید جزئی از این روحیه تحلیل کرد، با این حال نمی‌توان میزان تأثیر خوی استکباری را در سختی تغییر باور این دسته از مشرکین نسبت به پذیرش یگانه‌پرستی انکار کرد.

## ۲-۲-۱-۲. مبارزه با علل بت‌پرستی

بر مبنای آنچه بیان شد، دو گروه اصلی در مقابل دعوت پیامبر وجود داشتند. گروهی که ضعف فکری و جهل سبب تشخیص اشتباهشان شده بود و گروهی که به واسطه روحیه برتری طلبی به وادی شرک کشانده شده بودند. همچنان که آیات ۲۲-۲۵ سوره نحل (ش ن ۷۰) نیز اشاره به این دو گروه دارد. با درک این مسئله بهتر می‌توان روش خاص قرآنی را در مقابله با این دو گروه مشرکان در مرحله دوم تحول‌آفرینی بررسی کرد.

### ۲-۱-۲-۱. مقابله با جهل

شرک عموم اعراب را می‌توان ناشی از جهل ایشان نسبت به خدا دانست. به دلیل غلبه و وسعت این عامل، استفاده از شیوه‌های آگاهی‌بخشی برای مقابله با جهل، بر شیوه‌های مقابله با عامل استکبار در مرحله دوم تقدم دارد. نسبت ۸ به ۲ در آیات مقابله با جهل در سوره‌های قبل از نزول سوره غافر و پررنگ شدن عامل استکبار (رک: یس: ۲۲-۲۴/ش ن ۴۱؛ فرقان: ۴۷-۵۵/ش ن ۴۲؛ فاطر: ۱-۱۷/ش ن ۴۳؛ فاطر: ۲۷-۴۳/ش ن ۴۳؛ نمل: ۵۹-۶۴/ش ن ۴۸؛ قصص: ۷۰-۷۴/ش ن ۴۹؛ یونس: ۱۸-۲۳/ش ن ۵۱؛ یونس: ۱۰۱-۱۰۷/ش ن ۵۱؛ انعام: ۷۱-۷۳/ش ن ۵۵؛ زمر: ۳۶-۵۲/ش ن ۵۹). و بعد از این سوره (رک: نحل: ۳-۲۲/ش ن ۷۰؛ روم: ۱۸-۲۹/ش ن ۸۴) مؤید این ادعا است. حجم گسترده‌ای از آیات قرآن در این دوره با بیان نشانه‌های خداوند، نمایشگر تصویری از علم و قدرت و ربوبیت الهی است. بیان این نشانه‌ها در کنار تبیین ناتوانی بت‌ها دو رکن اساسی استدلال‌ات در این مرحله است که از آغاز دوره (اعراف: ۱۸۹-۱۹۸، ش ن ۳۹) محوریت داشته و تا آخرین آیات استدلالی پیرامون توحید ادامه دارد.

این آیات از یک سو با بیان نشانه‌های وجود و ربوبیت خدا در عالم از جنبه اثباتی استحقاق خداوند را بر یگانگی در پرستش نشان می‌دهد و از سوی دیگر با تذکر دادن در مورد ناکارآمدی بت‌ها، به نفی معبودهای دروغین می‌پردازد. به دلیل رسوخ باور پیشین بت‌پرستی، در این مرحله بارها به شیوه‌های مختلف این دو دسته آیات در کنار هم قرار می‌گیرند تا ذهن مخاطب با مقایسه مستمر این دو معبود بهتر بتواند بطلان تفکر مشرکانه خویش را درک کند.

تعبیراتی چون: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»، «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» که در بسیاری از موارد در پایان آیات دال بر نشانه‌های الهی در این مرحله می‌آید (نحل: ۱۳؛ روم: ۲۲؛ یونس: ۶۷؛ جاثیه: ۵ و ۱۳) نیز

می‌تواند دلیلی بر گستردگی عامل جهل و دعوتی برای رهایی از جهل و غفلت نسبت به او باشد.

## ۲-۲-۱-۲-۲. مقابله با استکبار

خداوند در مقابله با عامل استکبار از دو روش استفاده نموده است:

۱- اعطای بیش در مورد منبع حقیقی عزت: جریان بت‌پرستی به واسطه آیین‌ها و نمادهای خود و به ارمغان آوردن عزت کاذب برای بزرگان اعراب، مهم‌ترین عامل در مقابل ایمان و کرنش ایشان در برابر خداوند یگانه بود. به این مطلب در آیه ۸۱ سوره مریم تصریح شده است. همچنان که محتوای آیات ۴۲-۴۳ سوره فاطر که در بردارنده مفهوم استکبار است، در کنار آیه ۱۰ این سوره که از عزت طلبی مشرکان سخن می‌گوید، نیز مؤید این معناست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۹، ص ۱۱۸).

بر این اساس علت اصلی شرک، حداقل در طبقه اشراف جامعه، استکبار و عزت‌طلبی بود. با این بیان می‌توان استدلال اشراف مکه برای مقاومت در برابر دین توحیدی اسلام را چنین صورت‌بندی کرد:

مقدمه اول: من می‌خواهم از عزت برخوردار باشم.

مقدمه دوم: عزت من در گرو استحکام آیین بت‌پرستی است.

نتیجه: من برای برخورداری از عزت باید هر چه بیشتر در استحکام آیین بت‌پرستی

تلاش کنم.

در مقابله با این استدلال در آیه ۱۰ سوره فاطر (ش ن ۴۳)، خداوند خطاب به مشرکان عزت طلب بیان می‌کند که در طلب خزانة عزت به بی‌راهه رفته‌اند و اگر خواهان عزت حقیقیند باید بدانند که آن تنها متعلق به خداست و آنان که طالب عزتند باید فرمانبردار او باشند. قرآن با این بیان بر نادرستی یکی از پایه‌های استدلالی مشرکان تکیه کرده و

استدلالی جدید را در ذهن ایشان شکل می‌دهد که نتیجه آن تصدیق گزاره یکتاپرستی است. این استدلال با عنایت به این آیه در ذهن مشرکان چنین سامان می‌یابد:

مقدمه اول: من می‌خواهم از عزت برخوردار باشم.

مقدمه دوم: عزت تنها در دست خداست.

نتیجه: من برای برخورداری از عزت، باید به سوی خدای یگانه و آیین یکتاپرستی

بروم.

۲- تهدید به گرفتار شدن به فرجام هلاکت بار پیشینیان: عمده‌ترین روش قرآنی در مقابله با مستکبران مشرک، تهدید به دچار شدن این قوم به عاقبت اقوام گذشته است؛ چرا که اساساً گروهی که استکبار خوی آنهاست را به راحتی نمی‌توان تسلیم کرد و با استدلال و برهان، از خطای محاسباتیشان آگاه ساخت (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، صص ۳۴۱-۳۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۰، ص ۹۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰، ص ۴۲).

نخستین بار در آیه ۴۴ سوره فاطر (ش ن ۴۳) خداوند در واکنش به عدم ایمان مشرکان مستکبر، با لحنی تهدیدآمیز تأمل در سرگذشت کافران اقوام پیش را که از نظر قدرت از آنان برتر بودند و به دست انتقام الهی نابود شدند، از ایشان مطالبه می‌کند.

این روش از نظر وسعت، بیشترین آیات را در مقابله با گروه استکبار پیشه اعراب تشکیل داده است (ر.ک: یونس/۵۱؛ هود/۵۲؛ انعام/۵۵؛ زمر/۵۹؛ غافر/۶۰؛ شوری/۶۲؛ نحل/۷۰؛ روم/۸۴؛ و کارآمدی آن در جهت بازدارندگی، نسبت به روش‌های استدلالی یا تشویقی برای مشرکان معاند و ستیزه‌جو بیشتر است.

## ۲-۲-۲. تبیین و اثبات یگانگی خدا

در این مرحله آیات قرآن به طرق مختلف، از منظر شناختی، یگانگی خداوند را تبیین می‌کند. به غیر از ذکر نشانه‌های خدا که از نظر دامنه، گسترده‌ترین و ساده‌ترین استدلال‌ها

بر یگانگی خدا است، حجم عمده براهین دال بر وجود خداوند نظیر برهان حرکت، وجوب و امکان، علت و معلول، صدیقین (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۳، ص ۲۴، ۵۳، ۶۹، ۸۶) و براهین یگانگی او مثل برهان فطرت، هماهنگی هستی، برهان وحدت، فیض و هدایت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۳، ص ۱۸۴، ۱۹۷، ۲۱۵، ۲۲۷) نیز در محدوده مرحله دوم دعوت توحیدی قرآن قرار می‌گیرد.

### ۲-۳. مرحله سوم: تثبیت و تعمیق باور توحید

در مرحله سوم، خداوند گفتمانی جدید را شکل می‌دهد که نه مجزا از گفتمان دوره قبل مبنی بر تبیین باور توحیدی، بلکه گفتمانی در درون گفتمان پیشین است که به لایه‌های ژرف‌تر باور توحید می‌پردازد و هدف اصلی آن تثبیت، عمق‌بخشی و عملی کردن باور توحیدی با بیان مشخصه‌های ایمان حقیقی است. در این مرحله در راستای هدف مذکور، تمرکز بر روی عوامل رفتاری جهت تقویت و تعمیق خداباوری است. با این بیان، شروع این دوره را می‌توان از سوره عنکبوت (ش ن ۸۵) دانست. این سوره نخستین سوره‌ای است که خداوند در آن از صدق ایمان و هزینه‌های آن سخن می‌گوید. از لحاظ تاریخی این سوره از آخرین سوره‌های دوران مکی و تقریباً مقارن با هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مسلمانان است<sup>۳</sup> (دروازه، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۴۶۸).

### ۲-۳-۱. تثبیت باور توحید

با تشکیل هر باور، عوامل متعددی سبب تزل‌تزل پایه‌های معرفتی و تردید در باور شکل یافته می‌شود. از این رو در فرایند گذار از بت‌پرستی و نهادینه شدن توحید، پرداختن به مقوله روش قرآن در تثبیت باورهای جدید توحید مهم است.

۳. بر اساس جداول ترتیب نزول، از سوره بقره (ش ن ۸۷) جزء سور مدنی محسوب می‌شود.

### ۲-۳-۱-۱. اعطای بینش در مورد سنت الهی و سختی راه بندگی خدا

راه اطاعت و پرستش خدا سختی‌هایی دارد که گاه فشار آن سبب تزلزل در اراده و ضایع شدن ایمان می‌گردد. در سوره عنکبوت (ش ن ۸۵)، خداوند از سنت الهی مبنی بر آزمودن ایمان آوردندگان در مورد ایمانشان سخن می‌گوید. علامه با عنایت به آیات ابتدایی و انتهای و سیاق جاری در این سوره، غرض سوره را تبیین این نکته می‌داند که از منظر خداوند ایمان نه به زبان، بلکه حقیقت ایمان است که حوادث، نه باعث سستی بلکه سبب ریشه‌دارتر شدن آن می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۹۸).

در جهت نیل به این هدف، مفهوم «ابتلاء» با همین ریشه و یا واژگانی حاکی از آن، از کلیدی‌ترین و پرتکرارترین مفاهیم این دوره است. در آیه ۱۵۵ بقره خداوند تأکید می‌شود که همه شما با اموری همچون ترس، گرسنگی و کاهش در مال و جان و... آزمایش می‌شوید و آنگاه در آیات بعد به صابران بشارت رحمت خاص پروردگار داده می‌شود. در آیه ۲۱۴ همین سوره نیز با لحنی توییحی از مسلمانان سؤال می‌شود که آیا چنین گمان کردید بدون وارد شدن ابتلاءاتی نظیر پیشینیان، داخل بهشت می‌شوید؟!.

بر این اساس، طرح مفاهیم جدیدی چون مفهوم هجرت در راه خدا و گذشتن از راحتی زندگی در وطن، مفهوم جهاد و بذل جان در راه خدا، مفهوم انفاق و صرف‌داری برای او که در سراسر این مرحله به صورت منظومه‌وار پی گرفته می‌شود همگی در راستای ابتلاءات ایمانی قابل تحلیل است که بر اساس آیات قرآنی با هدف تمحیص (پاکسازی) (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۶) و تثبیت ایمان مسلمانان (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۳۲۴) طرح ریزی شده‌اند.

### ۲-۳-۱-۲. بیان علل سستی و مخرب باور توحید

ذکر موانع مسیر توحید و آفاتی که سبب انحراف و عدم توفیق به راهیابی توحید به عرصه قلب و عمل می‌شود، در مرحله سوم نمودی روشن دارد.



### ۲-۳-۱-۲-۱. هوای نفس

عامل نفسانی یا به عبارتی دیگر هوای نفس مهم‌ترین عامل درونی است که به صورت مستقیم سبب ضعف اراده می‌شود. میل نفسانی، کششی برای انجام عمل خلاف معرفت در انسان اسیر هوای نفس ایجاد کرده و اراده او را بر انجام عمل مطابق معرفت سست می‌نماید (اکبریان، ۱۳۹۷ش، ص ۱۴۶). در مرحله بعد اگر چنین انسانی مکرر بر خلاف معرفت خویش و مطابق با هوای نفسش گام بردارد، به تدریج علم او خاصیت روشنی بخشی خود را از دست خواهد داد و حقایق برای او مبهم و آمیخته با شک خواهد شد. تعبیر «علی علم» در آیه ۲۳ جاثیه از منظر بسیاری از مفسران اشاره به علم شخصی دارد که معبودش را هوای نفسش قرار داده است (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۴۷؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۳۲۳؛ دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۵۵۶) و بدین جهت خداوند بر قوای ادراکی او پرده می‌افکند و علمش به جهل یا شبه جهل تبدیل شده و دیگر توان درک حقایق را ندارد (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰، ص ۳۲۷).

### ۲-۳-۱-۲-۲. شیطان

شیطان عنوان عامی است که بر افرادی از بشر و جنیان تطبیق می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۶۴۹). شیطان گرچه عاملی بیرونی است، اما عملکردش درونی و از طریق نفس انسانی است (اکبریان، ۱۳۹۷ش، ص ۱۴۶) و با ایجاد وسوسه القای اندیشه غلط به مرکز ادراکات انسان (موحدیان عطار، ۱۳۸۷ش، ص ۱۴۸) و تزئین عمل در واقع ادراکات انسان را دچار آشفتگی می‌کند و ظن و فهم نادرست به جای فهم درست و واقعی می‌نشانند (اکبریان، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۱).

هشدار در مورد شیطان و حيله‌های او در سرتاسر قرآن و به خصوص سور مدنی دیده می‌شود. عبارت «لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» که در چهار سوره از قرآن آمده است (انعام/

۵۵: ۱۴۲؛ بقره/۸۷: ۱۶۸ و ۲۰۸؛ نور/۱۰۳: ۲۱) ساختاری امری است که به صورتی زیبا برای نشان دادن طرح مشخص شیطان در جهت گمراه‌سازی اهل ایمان استفاده شده است. در آیه ۲۰۸ بقره خداوند به اهل ایمان می‌فرماید که همگی در سلم وارد شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. تعبیر «فی السلم» در این آیه را «تسلیم شدن در برابر خدا بعد از ایمان به او» تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۰۱؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۳۲). این تفسیر که با عنایت به آیه بعد و هشدار قرآن از لغزش پس از روشن شدن مسیر هدایت بیان شده است، به روشنی از خطر پیروی از گام‌های شیطان در تزلزل در ایمان حقیقی به خدا و تسلیم او بودن هشدار می‌دهد.

### ۲-۳-۱-۲-۳. دنیا

دنیا که مقصود از آن تعلق قلبی به مظاهر دنیوی است یکی از عوامل ضعف اراده و عمل برخلاف مقتضای معرفت و بنا به روایات سر منشأ همه خطایاست (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۱۳۱ و ۳۱۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵) از این رو در این مرحله مکرر نسبت به دل‌بستگی به مظاهر مختلف دنیا گوشزد می‌شود. در آیه ۹ منافقون (ش ن ۱۰۵) خداوند اهل ایمان را از مشغول شدن به اموال و فرزندان و در نتیجه غفلت از یاد خدا نهی می‌کند. در آیه ۱۵ تغابن نیز خداوند با فتنه خواندن اموال و فرزندان و نهی از غفلت به ایمان آورندگان گوشزد می‌کند: «با شیفتگی در برابر مال و اولاد جانب خدا را رها نکنید، با اینکه نزد او اجری عظیم هست» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۳۰۸).

### ۲-۳-۱-۳-۲. راهکارهای حفظ باور توحید

راهکارهای قرآنی در جهت تثبیت باور توحیدی را می‌توان در دو عنوان کلی جای داد:

### ۲-۳-۱-۳-۱. مبارزه با عوامل تضعیف باور توحیدی

در کنار هشدار نسبت به عوامل تضعیف باور توحید، دعوت به انفاق در راه خدا، مسیر عملی مبارزه با دنیاگرایی است که در آیه ۱۰ سوره منافقون (ش ن ۱۰۵) به آن اشاره شده است. پرهیز از روابط با فرزندان که مسیرشان غیر از راه توحیدی است در آیه ۱۰ ممتحنه (ش ن ۹۱) به عنوان راه عملی مقابله به دلبستگی‌های نسبی نیز از جمله این راهکارهاست.

### ۲-۳-۱-۳-۲. تنظیم روابط مسلمانان

محیط پیرامون انسان از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جهت‌گیری‌های اوست. از این رو تنظیم روابط با دیگران یکی از گام‌های اساسی در تثبیت ایمان است که در این دوره بر روی آن تأکید می‌شود.

### الف) برائت و دوری جستن از دشمنان خدا

از آغاز این دوره هشدارها در مورد پذیرش ولایت غیر خدا و به دوستی گرفتن اهل کتاب آغاز می‌شود. در آیه ۴۱ سوره عنکبوت (ش ن ۸۵) خداوند مثل آنان که غیر خدا را به ولایت گرفته‌اند چون عنکبوتانی می‌شمارد که خانه‌هایشان سست است. در آیه ۱۰۹ سوره بقره (ش ن ۸۷) از آرزوی اهل کتاب بر بازگشت اهل ایمان به کفر پرده برمی‌دارد. مراد از کفر را در این آیه به دلیل واژه «یردّون» شرک دانسته‌اند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۶۷؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۲۷۸). در آیه ۱۲۰ همین سوره نیز خداوند در مورد تبعیت از یهود و نصارا هشدار می‌دهد. همین احتیاط در روابط، در مورد نوع ارتباط با کافران با شدت بیشتری مطرح می‌شود. در آیه ۲۸ سوره آل عمران (ش ن ۸۹) برای نخستین بار خداوند به صراحت به مؤمنان دستور می‌دهد که کافران را به دوستی نگیرند. ضرورت تأکید و تکرار این بحث با تحلیل گفتمان و شرایط حاکم برای جامعه مسلمانان بیشتر آشکار می‌شود؛ خوانش پس‌زمینه‌های ذهنی تازه ایمان‌آوردگان، با

در نظر گرفتن پرورش ایشان در دامن آیین قبیله محور و همبستگی‌های خویشاندوی عربی، دشواری این کار و دلیل تأکیدها را بیشتر روشن می‌سازد تا آنجا که خداوند در آیه ۱۳۹ سوره نساء (ش ن ۹۲) در معرفی منافقان، مشخصه ایشان را دوستی گرفتن کافران به جای مؤمنان بیان می‌کند و سپس در آیه ۱۴۴ این سوره از مؤمنان می‌خواهد که کافران را به جای اهل ایمان ولی و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنند و از طرح دوستی با دشمنان خدا که نشانه نفاق است پرهیزند.

### ب) توجه به مشترکات مسلمانان با اهل کتاب

در این مرحله آیات قرآن توأم با توصیه بر دوستی نگرفتن اهل کتاب، به مدارا با آنان نیز سفارش می‌کند. در آیه ۴۶ سوره عنکبوت به مسلمانان امر می‌شود با اهل کتاب غیر معاند، جز به نیکوترین روش مجادله نکنند و بر مشترکات ایمانشان تأکید ورزند. در آیه ۱۰۹ سوره بقره (ش ن ۸۷) نیز از ایشان می‌خواهد با اهل کتاب با عفو و گذشت برخورد نمایند. البته دستور به مدارا با اهل کتاب مربوط به اوایل دوران مدنی است که از یک سو هنوز جامعه ایمانی چندان استحکام نیافته و از سوی دیگر پیمان شکنی‌های اهل کتاب رخ نداده است. از این رو می‌توان گفت در مراحل اولیه تشکیل حکومت خداوند با تأکید بر وجوه مشترک ایمانی از مسلمانان می‌خواهد که در عین نداشتن برخورد صمیمانه با اهل کتاب، احساسات خود را کنترل (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۲۸۰) و از برخوردهای تنش‌زا خودداری کنند تا بتوانند با آرامش بیشتری به وظایف ایمانی خود عمل نمایند.

### ۲-۳-۲. تعمیق باور توحید

تعمیق یک باور به تثبیت آن گره خورده است. تثبیت باور، همان اقتناع ذهنی است. با این حال اقتناع ذهن به الزام، همراه با عمل دینی نیست. از این رو از نگاه معرفت‌شناسی گفته می‌شود:

«این تصور که انسان باورهای خود را تنها از رهگذر آنچه در ساحت عقیدتی وی می‌گذرد کسب می‌کند، نوعی ساده‌انگاری در مسئله تحصیل معرفت است» (پورسینا، ۱۳۸۵ ش، صص ۲۶۶-۲۶۷).

در واقع وقتی باوری تثبیت شد و عمل بر مقتضای آن استمرار یافت، تعمیق شکل می‌گیرد. از این رو در این مرحله تمرکز بر تقویت بعد رفتاری در جهت تحکیم باور توحید است. بر پایه این امر، در این مرحله، وضع احکام، گفتگوهای قرآنی، اوامر و برنامه‌ها در راستای تعمیق‌بخشی به باور توحید و جهت دهی تمام رفتارها به سمت آن، چنین می‌یابند تا گفتمان جدید توحیدی در تمام ابعاد آن جریان یابد.

### ۲-۳-۲-۱. معرفی ایمان حقیقی

یکی از مواردی که در مرحله سوم تحول‌بخشی و در راستای تعمیق باور توحید به آن پرداخته می‌شود، تعریف ایمان حقیقی و مؤمنان راستین است. معرفی این گروه که از حقیقت ایمان بهره‌مندند با مشخصه‌های خاص قرآنی، تعریفی از موحدان واقعی است. عبارت «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ...» که سه مرتبه در سوره‌های مدنی ذکر شده است، عبارت تقریباً کلیشه‌ای برای بیان مشخصه‌های ایمان حقیقی است که با مفهوم حصری خود، ایمان را در صورت وجود پاره‌ای خصوصیات، حقیقی می‌داند. در سوره انفال (ش ن ۸۸) برای نخستین بار خداوند با این تعبیر، پنج ویژگی مهم مؤمنان حقیقی را برمی‌شمارد و در آیه ۶۲ سوره نور (ش ن ۱۰۳) نیز با این تعبیر و وصف ایمان منحصر به کسانی گردیده که به خدا و رسولش ایمان حقیقی دارند و هنگامی که در کار مهمی با پیامبر باشند بدون اجازه او به جایی نمی‌روند.

اما در سومین مورد، استفاده از این ساختار به گونه‌ای خاص تر و در سیاقی روشن‌تر نمود می‌یابد. در آیات ۱۴-۱۸ در سوره حجرات (ش ن ۱۰۷) به پیامبر امر می‌شود به اعراب مدعی ایمان بگوید که آنان ایمان نیاورده‌اند، ... چرا که هنوز ایمان به قلوبشان داخل

نشده است. در آیه بعد خداوند به صورت تفصیلی مشخصه‌های ایمان حقیقی را در همان ساختار حصری «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ...» به صورت روشن بیان می‌کند: ۱- ایمان به خدا، ۲- ایمان به رسول، ۳- عدم تردید و تزلزل بعد از ایمان، ۴- جهاد با مال و جان در راه ایمان. سومین مشخصه در این آیات، ثبات در ایمان، به‌عنوان وجه ممیزه این مرحله از مرحله پیشین قابل تأمل است. بر مبنای این خصوصیت، مؤمنان حقیقی آنانند که بعد از تشریف به ایمان و پذیرش توحید، دیگر در حقانیت آنچه ایمان آورده‌اند شک نکنند. در مشخصه چهارم نیز علامت و حد این تزلزل‌ناپذیری مجاهدت در راه خدا با مال و جان معرفی می‌شود. این آیه در واقع بیان ژرف‌ترین لایه‌های ایمانی است. چرا که "مجاهده" به معنای به‌کارگیری تمامی توان خویش در پیشبرد راه خدا است و مجاهده به اموال و انفس، عمل و به‌کار گرفتن، تا آخرین درجه قدرت است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۳۳۰) و این، همان توحید حقیقی است که مقصد آخر فرایند گذار از بت‌پرستی به توحید و هدف نهایی مسیر تحول بخشی در باور به خداست. از این رو در پایان آیه خداوند بیان می‌کند که منحصرأ این‌ها هستند که در ادعای ایمانشان راستگویند.

## ۲-۳-۲. بیان درجات ایمان خدا باوران

اصل درجه‌بندی ایمان بر اساس آیات قرآنی مسلم است. شاخص‌ترین آیه در این رابطه آیات ۹۵-۹۶ سوره نساء (ش ن ۹۲) است که به روشنی بر تفاوت درجات اهل ایمان اشاره دارد. در این آیات از مجاهدان با دو شاخصه مهم نام می‌برد. نخست آن که با نیت خالص، در مسیر خدا مجاهده می‌کنند «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و دوم آن که در این راه از همه توان خویش، مال، جسم و جان استفاده می‌کنند «بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ».

در کنار این گروه از گروهی دیگر با عنوان «قاعدین غیر اولی الضرر» نام برده می‌شود که به آنان نیز با وجود عدم مشارکت در جهاد، وعده پاداش داده می‌شود. بنا به بیان مفسران منظور از قاعدون در اینجا افرادی هستند که علیرغم ایمان به اصول اسلام، بر اثر نداشتن

همت کافی، در جهاد شرکت نکرده‌اند. نکته قابل توجه در رابطه با بحث تحول بخشی در این آیات اول آن است که این دو آیه از سوره نساء بیانگر وجود لایه‌های متعدد از مفهوم ایمان به خدا با توجه به میزان اخلاص و مجاهدت در این مسیر است که در مرحله سوم فرایند تحول آفرینی به صورت مشخص به آن پرداخته می‌شود.

دوم آن که این بیان، صرف گزارش از درجات بالای مجاهدان راه خدا نیست، بلکه از جنبه انگیزشی نیز تشویقی برای مؤمنان در رتبه‌های پایین‌تر ایمانی است تا در راه اعتلای کلمه حق از مال و جان و هستی خویش بگذرند و به بالاترین درجات مغفرت و رحمت الهی نائل گردند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۴۶).

### ۲-۳-۲-۳. اولویت بخشی و تقویت آموزه های توحیدی

با توجه به تقارن دوره سوم با زمان هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تشکیل حکومت اسلامی توسط ایشان، در این برهه توحید، نه فقط در ساحت عبادات فردی، بلکه در سطح اجتماعی هم معنا می‌یابد. جامعه‌ای که با محوریت توحید بنیان شده است باید از یک سو رنگ توحید در تمام کرانه های آن نمایان باشد و از سوی دیگر خود این اجتماع، زمینه‌ساز و تقویت‌بخش ایمان و عبودیت مردم گردد. گرچه در جای جای آیات سور مدنی تعالیم مختلف اخلاقی و فقهی که همه در جهت حرکت توحیدی و بر محور عبودیت الهی است به چشم می‌خورد، با این حال کثرت و تأکید بر برخی آموزه ها نشان از اهمیت آن در دست‌یابی به مقصود نهایی ساختن جامعه خدا محور دارد.

### الف) تقوا

در قرآن کریم واژه «تقوا» ۱۷ بار و مشتقات آن بیش از ۲۰۰ بار ذکر شده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ش، ج ۸، ص ۴۴۶). تقوا نیرویی است که تشخیص درست از نادرست و حق از باطل را عهده دار است و چنان که مفسرین از مجموع آیات قرآنی

استفاده کرده‌اند، به دنبال رسوخ ایمان در قلب بر وجود انسان حاکم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۲، ص ۲۰۴).

در آیه ۲۸۲ بقره (ش ن ۸۷)، عبارت کوتاه و دو جمله‌ای «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ» قابل تأمل است. هر چند بسیاری از مفسران این دو جمله را در عبارت مذکور به صورت مجزا تفسیر کرده‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۳۵) اما شمار مفسرانی که در تفسیر این آیه از تعلیم و بصیرت الهی به عنوان ثمره تقوا سخن گفته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۳، ص ۴۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۶۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۷۲؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۸) و یا حداقل کنارهم نشانیدن این دو واژه در آیه را نشانگر نوعی پیوند میان این دو وصف دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۹۰) اندک نیستند.

در آیه ۲۹ سوره انفال در ساختاری شرطی به این ارتباط تصریح شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» بنا به دیدگاه مفسران، منظور از فرقان در این آیه توانایی تشخیص حق از باطل در همه ساحات عقیده و رأی و همچنین عمل (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۵۶؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۶۴۹) و بیان این آیه نشانگر تأثیر عملکرد بر عقیده (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش، ج ۶، ص ۳۴۵) است.

## ب) نماز

واژه «الصلوه» در معنای نماز بدون مشتقات، ۶۱ بار و با مشتقات، ۹۸ بار در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، صص ۴۱۲-۴۱۴). وجوب قرائت سوره حمد که معادل قرآن کریم دانسته شده در همه نمازها و تأکید بر خواندن سوره توحید که بیان پایه‌های توحید است حداقل در یک رکعت از هر نماز، یکی از برنامه‌های مؤثر در تعمیق باور توحیدی است و می‌توان گفت خداوند با وجوب نماز و تکرار مفاهیم توحیدی آن، برنامه عملی نهادینه‌سازی باور به خدای یگانه و یاد دائمی او را طراحی کرده است.



### ج) انفاق

واژه «انفاق» نیز از مفاهیم پر شمار قرآن است. افزون بر واژه «نفق» و مشتقات آن که بیش از ۷۰ بار در قرآن آمده، قرآن با واژگان و تعبیری دیگر نیز به این موضوع اشاره کرده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ش، ج ۴، ص ۵۵۸). نقش انفاق را در آخرین مرحله تحول بخشی و دوران مدنی می‌توان در سه بعد مهم مورد واکاوی قرار داد:

۱- نقش انفاق در مبارزه با آفت دنیاپرستی: این کارکرد انفاق، برای خود شخص انفاق کننده است.

۲- نقش انفاق در گسترش عدالت: انفاق در دست‌یابی به عدالت به‌عنوان یکی از اهداف مهم ادیان توحیدی جایگاهی ویژه دارد. چنان که تعدیل ثروت‌ها، کم کردن فاصله طبقاتی، ایجاد برادری بین مسلمین و ... را از اهداف تاکید شدید قرآن نسبت به انفاق و از مهم‌ترین کارکردهای آن شمرده‌اند (کاظمی نسب و داوودی، ۱۳۹۹ش، صص ۱۷-۲۰).

۳- نقش انفاق در مقاومت نیروهای جهادی: کارایی مهم دیگر انفاق در جامعه نو بنیاد مدینه برای دفاع از دین است. دین اسلام که به سبب جهاد پایه‌های خود را مستحکم می‌کند به همان اندازه که به مردان با اخلاص و کار آزموده نیازمند است به اموال و ثروت نیز احتیاج دارد. آیه ۱۹۵ بقره با توجه به این بعد از اهمیت انفاق، از مسلمانان می‌خواهد با ترک انفاق خود را به دست خویش به هلاکت نیفکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، صص ۳۵).

### ۲-۳-۲-۴. آسیب‌شناسی حرکت توحیدی

در کنار بیان مؤلفه‌های جامعه توحید محور، ذکر نقاط ضعف یکی از اقدامات ضروری است. وقتی جامعه یا نهادی بر اساس هدفی شکل می‌گیرد برای آن که مطابق با اهداف خود حرکت کند و دچار انحراف نگردد، باید به صورت مستمر از درون مورد ارزیابی و

آسیب شناسی قرار گیرد. در این راستا در سور مدنی مکرر افکار و رفتار مسلمانان را در مواجهه با صحنه‌ها و ابتلاءات گوناگون با معیار توحیدی ارزیابی می‌شود.

سوره نور (ش ن ۱۰۳) از جمله سوره‌هایی است که از نظر محتوایی از همین جهت قابل تحلیل است. در نخستین آیات این سوره خداوند با اشاره به داستان افک، رفتار مسلمانان در مواجهه با شایعه تهمت نسبت به یک زن مسلمان را به شدت مورد سرزنش قرار داده و تویبیشان می‌کند که چرا در مواجهه با این تهمت، گمان خیر نسبت به خودشان نداشتند و آن را دروغی آشکار نخواندند (آیات ۱۱-۱۲)، و در چند آیه بعد (آیه ۱۷) به ایشان هشدار می‌دهد که اگر واقعاً ایمان دارند دیگر هرگز چنین کاری را تکرار نکنند که در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می‌شوند. این تأکیدات پیرامون یک تهمت و نشر آن، نشان از اهمیت سلامت حرکت توحیدی در تمام ابعاد آن است.

سوره حجرات نیز از دیگر سوره‌هایی است که از همین منظر قابل بررسی است. محتوای تمام آیات این سوره که در بردارنده مکارم اخلاق و آداب ارتباط مؤمنان با خدا، رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و دیگر مؤمنان، (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۱۸۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۸، ص ۳۰۵) و آسیب‌شناسی تولی در این ارتباطات است (بهجت پور، ۱۳۹۴ش، ص ۴۷۰) می‌تواند ترسیمی از مدینه فاضله باشد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۷، ص ۲۱۹). مهم‌ترین مباحث این سوره چنین است:

- سفارش به مسلمانان برای پیشی نگرستن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) (آیه ۱)
- رعایت ادب در کلام و صدا هنگام صحبت با پیامبر (صلی الله علیه و آله) (آیات ۲-۴)
- نهی از اعتناء به خبر فاسق بدون تفحص از صحت آن (آیه ۶)
- طرفداری از حق و تلاش در جهت ایجاد صلح (آیه ۹)
- برادری تمام مسلمانان و القای حس همدلی (آیه ۱۰)
- نهی از تمسخر، زشت یاد کردن از یکدیگر، غیبت، تجسس (آیات ۱۱-۱۲)

- مقابله با برتری‌های خود ساخته نژادی و قبیله‌ای و تعیین ملاک برتری انسان‌ها نزد خداوند بر اساس میزان تقوای آن‌ها (آیه ۱۳)

- آسیب‌شناسی رفتار مسلمانان با حقیقت ایمان (۱۴-۱۸)

تمامی این آیات از منظر نگارنده با همین رویکرد آسیب‌شناسی جامعه توحیدی قابل بررسی و مطالعه دقیق است.

### نتایج تحقیق

با بررسی آیات محوری پیرامون توحید بر مبنای ترتیب نزول فرایند گذار از بت‌پرستی و رسیدن به توحید و روش قرآن در تعمیق این باور به دست می‌آید. بر این اساس، این پژوهش با رویکرد ترتیبی - موضوعی به نتایج ذیل در بعد خدا‌باوری نائل شده است.

فرایند تحول‌بخشی و مسیر گذار از بت‌پرستی به توحید در قرآن شامل سه مرحله اصلی می‌شود. اهداف، محتوا و روش قرآن در هر یک از این مراحل با توجه به جامعه مخاطب و نقاط اصلی سیر حرکت از بت‌پرستی به توحید از هم تمایز می‌یابد. بر مبنای این تمایز مرحله اول مشتمل بر سوره‌های شماره ۱-۳۸ (علق تا ص)، مرحله دوم در بردارنده سوره‌های ۳۹-۸۴ (اعراف تا روم) و مرحله سوم شامل سوره‌های ۸۵-۱۱۴ (عنکبوت تا توبه) است.

از نظر هدف، هدف از مرحله نخست طرح مسئله توحید و اعلان وحدانیت خداست. با این اعلان، قرآن در جهت ایجاد آمادگی و انگیزه برای شنیدن آیات پیرامون توحید حرکت می‌کند و زمینه تغییر در باور بت‌پرستی و تمایل به سمت یکتاپرستی را فراهم می‌نماید. بر پایه این هدف، محتوای آیات در این مرحله حالت توصیفی دارد و تمرکز بر توصیف اجمالی خداوند با صفات الهی و بیان مراتب توحید است.

بعد از انگیزه‌بخشی، در مرحله دوم هدف تبیین باور توحید و ایجاد شناخت و معرفت نسبت به این باور است. در این مرحله متناسب با هدف مذکور محتوای آیات صبغه

استدلالی می‌یابد و مقصود این مرحله در دو گام اصلی محقق می‌شود. در گام نخست، قرآن با تبیین پایه‌های شرک، بطلان تفکر مشرکانه را اثبات و در جهت تخریب آن اقدام می‌کند و در گام دوم با ایجاد شناخت و استدلال بر یگانگی خداوند در جهت اثبات حقانیت توحید قدم برمی‌دارد.

بعد از مرحله شناخت‌دهی و ایجاد معرفت، در مرحله سوم در گامی فراتر تثبیت و عمق بخشی به باور شکل یافته توحید، هدف اصلی واقع می‌شود. در راستای تحقق این هدف، قرآن با تبیین ایمان حقیقی و بیان درجات و مؤلفه‌های ایمان، معیارهای زندگی توحیدی را مشخص می‌سازد. در این مرحله قرآن از یک سو با تشریح احکام متعدد و توصیه‌های اخلاقی در جهت رفتار سازی موحدانه گام برمی‌دارد و از سوی دیگر با آسیب شناسی رفتارهای اهل ایمان با معیار توحیدی از انحراف حرکت توحیدی جلوگیری می‌کند.

بر این اساس در مجموع، رویکرد تحول‌آفرینی قرآن بر پایه تقدم مکانیزم انگیزشی بر شناختی و شناختی بر رفتاری در مراحل سه گانه تحلیل و الگوی روش قرآنی تحول بخشی در باور به خدا بر اساس انگیزش - شناخت - رفتار ترسیم می‌شود. انگیزش در جهت ترغیب مخاطب از بعد روانی برای شنیدن دعوت توحیدی، شناخت در جهت متقاعد ساختن مخاطب از لحاظ ذهنی برای پذیرش بطلان تفکر مشرکانه و حقانیت باور توحیدی و رفتار در جهت نهادینه‌سازی و عملیاتی کردن باور توحید در جان مسلمانان در ساحات فردی و اجتماعی و جلوگیری از انحراف و بازگشت به شرک و در نهایت ساختن جامعه‌ای موحد با رفتارهای مبتنی بر شناخت مبتنی بر گرایش.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آل غازی، عبد القادر، (۱۳۸۲ق)، *بیان المعانی*، دمشق: مطبعة الترقی.
۳. ابن بابویه، علی بن محمد (شیخ صدوق)، (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴. ابن بابویه، علی بن محمد (شیخ صدوق)، (۱۳۸۶ش)، *عقل الشرایع*، ترجمه سید محمد جواد تهرانی، قم: مؤمنین.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۷م)، *کتاب جهره اللغه*، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم.
۶. ابن سعد، محمد، (بی تا)، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دار صادر.
۷. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العرب.
۸. ابن فارس، احمد، (۱۳۹۹ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبد السلام هارون، قم: انتشارات دار الفکر.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، لبنان: دار الکتب العلمیه.
۱۰. ابو حیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دار الفکر.
۱۱. اکبریان، سید محمد، (۱۳۹۷ش)، *شکاف معرفت و عمل از منظر آیات*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۷۸ش)، *مفاهیم اخلاقی — دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر فرزاد.
۱۳. بهجت پور، عبد الکریم، (۱۳۹۰ش)، *همگام با وحی: تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)*، قم: تمهید.
۱۴. بهجت پور، عبد الکریم، (۱۳۹۴ش)، *شناختنامه تنزیلی سوره های قرآن کریم*، قم: تمهید.

۱۵. پور سینا، زهرا، (۱۳۸۵ش)، **تأثیر گناه بر معرفت با تکیه بر آرای آگوستین قدیس**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. دروزه، محمد عزه، (۱۴۲۱ق)، **التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول**، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۷. رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ق)، **تفسیر المنار**، بیروت: دار المعرفه.
۱۸. رفیعی، علی؛ عبدالهی، حسن، (۱۳۹۳ش)، «معناشناسی واژه جهل در قرآن کریم»، **فصلنامه مطالعات قرآنی**، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۲۹-۱۴۹.
۱۹. زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰ق)، **البرهان فی علوم القرآن**، تحقیق یوسف عبد الرحمان مرعشی، بیروت: دار المعرفه.
۲۰. سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، **تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم**، بیروت: دار الفکر.
۲۱. سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، **الدر المثور فی التفسیر المثور**، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۲. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه**، قم: فرهنگ اسلامی.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، **التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم**، اردن: دار الكتاب الثقافی.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ایران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۶. طریحی، فخر الدین، (۱۳۶۲ش)، **مجمع البحرین**، تهران: مرتضوی.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۸. عبدالباقی، محمد فواد، (۱۳۶۴ق)، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، مصر: دارالکتب المصریة.
۲۹. علی، جواد، (۱۴۲۲ق)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بی‌جا: دار الساقی.
۳۰. فراهیدی، خلیل، (۱۴۰۹ق)، *العین*، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت.
۳۱. فضل‌الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۳. قطب، سید، (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
۳۴. کاظمی نسب، رحمان؛ داوودی، محمد ناصر (۱۳۹۹ش)، «نقش اجتماعی و اقتصادی انفاق از منظر قرآن»، *مجله پژوهش و مطالعات اسلامی*، سال دوم، شماره ۱۴، صص ۱۳-۲۲.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲ش)، *دایرة المعارف قرآن*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۷. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۳ش)، *معارف قرآن؛ خدا شناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶ش)، *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۰. موحدیان عطار، علی، (۱۳۸۷ش)، *از شک تا یقین*. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۱. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ق)، *اسباب نزول القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۲. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۵ق)، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت: دارالقلم.
۴۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶ش)، *تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن*، قم: بوستان کتاب.

۴۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.

### Bibliography:

1. The Holy Quran
2. Āl Ghazi, Abdul Qadir (1382 AH), *Bayān al-Ma'ānī*, Damascus: Al-Taraqī Press.
3. Ibn Bābiwayh, Ali ibn Muhammad (Ṣadūq) (1403 AH), *Al-Khiṣāl*, By: Aliakbar Ghaffārī, Qom: Islamic Publishing Institute.
4. Ibn Bābiwayh, Ali ibn Muhammad (Ṣadūq) (2007), *Ilal al-Sharā'ī'*, Trans. Seyed Mohammad Javad Tehrani, Qom: Mu'menin.
5. Ibn Duraid, Muhammad bin Hassan (1987), *Kitāb Jamharat al-Lughah*, Researc: Ramzī Munīr Ba'labakī, Beirut: Dar al-'Ilm.
6. Ibn Sa'd, Muhammad (nd), *Al-Tabaqāt al-Kubrā*, Beirut: Dar Sāder.
7. Ibn Āshūr, Muhammad Tāhir (1420 AH), *Tafsīr Al-Tahrīr wal-Tanwīr*, Beirut: The Foundation of Arab History.
8. Ibn Fāris Abdulhussein Ahmad (1399 AH). *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah*, Research: 'Abd al-Salām Muḥammad Hārūn, Beirut: Dar al-Fikr.
9. Ibn Kathīr Demashqī, Ismail ibn 'Amr (1419 AH), *Tafsīr al-Qur'an al-'Azīm*, Research: Muhammad Hussein Shams al-Din, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīyah.
10. 'Abū Hayyān, Muhammad ibn Yūsuf (1420 AH), *Al-Bahr al-Muhīt fī al-Tafsīr*, Research: Sedqī, Muhammad Jamīl, Beirut: Dar al-Fikr.
11. Akbarian, Seyed Mohammad (2015), *The Gap between Knowledge and Practice from the Perspective of Qur'anic Verses*, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
12. Izutsu, Toshihiko (1999), *Ethical-Religious Concepts in the Holy Qur'an*, Trans. Fereydoun Badraei, Tehran: Farzan Publishing.
13. Behjatpour, Abdolkarim (2011), *Simultaneously with the Revelation: Tafsir Tanzili (in descending order)*, Qom: Tamhid.



14. Behjatpour, Abdolkarim (2015), *Realizing the Descended Order of the Holy Qur'an Suras*, Qom: Tamhid.
15. Poorsina, Zahra (2006), *The Effect of Sin on Knowledge Based on the Views of St. Augustine*, Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture.
16. Darvazah, Muhammad 'Izzah (2001), *Al-Tafsīr al-Hadith: Tartīb al-Suwar Hasb al-Nuzūl*, Beirut: dar al-Ghar al-Islami.
17. Rashid Reza, Muhammad (1414 AH), *Al-Minār*, Beirut: Dar al-Marifah.
18. Rafiei, Ali and Abdollahi, Hassan (2014), "Semantics of the word 'jah' in the Holy Qur'an", *Quarterly Journal of Quranic Studies*, 5 (20), pp. 129-149.
19. Zarkashi, Badruddin (1410 AH), *Al-Burhān fī Uloom Al-Qur'an*, Research: Youssef Abd al-Rahman Mara'ashli, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
20. Samarqandi, Nasr bin Muhammad (1416 AH), *Baḥr al-'Ulūm*, Beirut: Dar al-Fikr.
21. Suyūfī, Jalal alDin (1404 AH), *Al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bil-Ma'thūr*, Qom: Ayatullah Mar'ashi Najafi's Library.
22. Sadeqi Tehran Muhammad (1406 AH), *Al-Furqān fī Tafsī al-Qur'an wa al-Sunnah*, 2<sup>nd</sup> ed. Qom: Islamic Culture.
23. Ṭabātabāeī, Muhammad Hussein (1390 AH), *Al-Mizān fī Tafsīr Al-Qur'ān*, Lebanon: Mu'asisa al-A'lamī lil Maṭbū'āt.
24. Ṭabarānī Sulaiman ibn Ahmad (2008), *Al-Tafsīr al-Kabīr*, Jordan: Dar al-Kitāb al-Thaqāfī.
25. Ṭabrisī, Faḍl bin Hassan (1993). *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an*. Introduction by: M. Javad Balaghi. Tehran: Naser Khosrov Publications. 3<sup>rd</sup> ed.
26. Turayhī, Fakhr al-Din (1983), *Majma Al-Bahrain*, Tehran: Mortazavi.
27. Tusi, Muhammad ibn Hassan (nd), *Al-Tibyān fī Tafsīr Al-Qur'an*, Beirut: Dar 'Ihya' al-Turāth Al-Arabi.
28. 'Abdul Bāghī, Muhammad Fu'ād (1364 AH), *Al-Mu'jam al-Mufahras li 'Alfāz al-Qur'an al-Karīm*, Cairo: Dar al-Kutub al-Miṣrīyyah.

29. Ali Jawad (1422 AH), *Al-Mufaṣṣal fī Ta'rīkh al-'Arab Qabl al-Islam*, Np: Dar al-Saqī.
30. Farahīdī, Khalil (1409 AH), *Al-'Ayn*, Research: Mehdi Makhzoumi, Ibrahim Samira'i, Qom: Hejrat Publishing.
31. Fadlullah, Muhammad Hussein (1419 AH), *Min Wahy al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Malāk.
32. Qurṭubī, Muhammad bin Ahmad (1985). *Al-Jāmi' li Aḥkām al-Qur'an*. 1<sup>st</sup> ed. Tehran: Naser Khosrow.
33. Qotb, Sayed (1425 AH), *Fī Zilāl al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Shrūq.
34. Kazemi Nasab, Rahman and Davoodi, Mohammad Nasser (2016), "The Social and Economic Role of Charity from the Perspective of the Quran", *Islamic Studies and Research*, 2 (14): p. 13-22.
35. Kulaynī, Muhammad ibn Yaquob (1986), *Al-Kāfī*, Research: Ali Akbar Ghafārī, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamīyya.
36. Center for Quranic Culture and Knowledge (2003), *Quranic Encyclopedia*, Qom: Publication Office of the Qom Seminary.
37. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2014), *Quranic Knowledge (1-3): Theology, Cosmology, Anthropology*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
38. Makarem Shirazi, Nasser (2007), *The Message of the Qur'an*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
39. Makarem Shirazi, Nasser (1992), *Sample Interpretation*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
40. Movahedian Attar, Ali (2008), *From Doubt to Certainty*, Qom: University of Religions and Schools Publications.
41. Wāhidī, Ali ibn Ahmad (1411 AH), *Asbāb Nuzūl al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmīya.
42. Wāhidī, Ali ibn Ahmad (1415 AH), *Al-Wajīz fī Tafsīr Kitāb al-'Azīz*, Beirut: Dar al-Qalam.
43. Hashemi Rafsanjani, Akbar (2007), *Rahnama Interpretation: A New Method in Presenting the Concepts of Qur'anic Themes*, Qom: Boostan-e Ketab.
44. Ya'qūbī, Ahmad Ibn Abi Yaquob (nd), *History of Ya'qūbī*, Beirut: Dar Sāder.